

زیلوی نوش آباد: کهن ترین فرش شناخته شده از دوران اسلامی ایران^۱

محمد رضا غیاثیان

استادیار گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

محمد مشهدی نوش آبادی^۲

دانشیار گروه ادیان و فلسفه، دانشکده ادبیات، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

چکیده

اگرچه در متون تاریخی سده چهارم هجری به بعد از زیلو و زیلوبافی یاد شده، اما زیلوهای باقی مانده همه متعلق به پس از صفویه است. برخی محققان زیلوی معروف به «میبد» را قدیم ترین زیلوی دوره اسلامی و متعلق به سال ۸۰۸ هجری دانسته اند، در حالی که این زیلو از دوره صفوی است و در خوانش تاریخ آن اشتباهی رخ داده است. تنها زیلوی شناخته از ماقبل صفوی، نمونه ای است که در موزه ارمیتاژ نگاهداری می شود. مورخان هنر اسلامی تاکنون بر این باور بوده اند که زیلوی نوش آباد تاریخ بافت ندارد و آن را به عنوان شاهکاری از هنر ایلخانی معرفی کرده اند. این نوشتار با بررسی دقیق تر سبک هنری و کتیبه های زیلو پیشنهاد جدیدی درباره زمان بافت آن ارائه و این احتمال را مطرح کرده است که در رمضان ۸۰۸ هجری / ۱۴۰۶ م در نوش آباد کاشان بافته شده و کهن ترین فرش تاریخ دار شناخته شده ایران دوره اسلامی است. یکی دیگر از سؤالات و ابهامات مطرح در خصوص این زیلو مربوط به کاربرد آن است. اگرچه محققان آن را زیلوی سجاده ای «صف» خوانده اند، اما آیات قرآنی موجود در کتیبه ها، پذیرش این نظر را دشوار می کند. این مقاله با در نظر گرفتن محتوای خاص کتیبه ها، احتمال کاربری آن را به عنوان سجاده مطرح کرده و با مجامع صوفیانه مرتبط ساخته است.

کلیدواژه ها: خط کوفی، زیلو، سجاده صوفیانه، نوش آباد، هنر اسلامی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۵

۲. رایانامه (مسئول مکاتبات): mmn5135@kashanu.ac.ir

مقدمه

در میان دست‌بافته‌ها و زیراندازهای منقوش ایران، به هیچ اثری به اندازه زیلو بی‌توجهی نشده‌است. توجه محققان، موزه‌ها و مجموعه‌داران غربی نیز بیشتر به فرش و گلیم معطوف بوده‌است. در ایران نیز همواره به زیلو کم‌توجهی شده‌است.^۳ یکی از علل عدم استقبال از زیلو در بازارهای جهانی، جنس پنبه‌ای آن بوده که با مناطق گرم کویری سازگار است و رنگ‌بندی غالباً آبی و سفید آن نیز که یادآور خنکای آب و ابر است، اغلب به مذاق کویرنشینان خوش می‌آید و مناطق کوهستانی همواره زیراندازهای پشمی را ترجیح داده‌اند. مبنای قیمت‌گذاری زیلو با فرش نیز متفاوت است و بر اساس وزن (نه اندازه و نقوش) به‌فروش می‌رفته‌است. اگرچه دار زیلوبافی ساده‌تر از دار قالی است و به‌آسانی به صورت عمودی نصب می‌شود، اما فرایند بافت آن بسیار پیچیده است.^۴ افزون بر این، در زیلو نقوش و کتیبه‌ها به صورت محاسبه ذهنی بافته می‌شوند.

کلمه زیلو به صورت مفرد و جمع (زَلالی) در متون تاریخی سده چهارم هجری/دهم میلادی به بعد ثبت شده‌است. در کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب که در سال ۹۸۲/۳۷۲ هجری نوشته شده، به بافت زیلو یا «زیلوی» در شهرها و نواحی مختلف ایران از جمله سیستان، آذربایجان و پارس اشاره شده‌است.^۵ ناصر خسرو قبادیانی (د ۴۸۱ هجری/۱۰۸۸ م) نیز در چند جای سفرنامه خود به زیلو و زیلوبافی اشاره کرده‌است.^۶ در میان متون دوره ایلخانی می‌توان به وقف‌نامه ربع رشیدی اشاره کرد که رشیدالدین فضل‌الله (د ۷۱۸ هجری)

۳. برای نمونه، در جریان مرمت گنبد و منارهای آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی در ماهان کرمان، از زیلوهای نفیس حرم به عنوان بستری برای ریختن نخاله‌های بنایی استفاده کردند. دیگر اینکه برخی از زیلوهای یزد به‌عنوان کود کشاورزی معدوم شده و برخی به پستی‌دوزان فروخته شده‌است (علیمحمدی اردکانی، نه-ده).

۴. برای تکنیک بافت زیلو، نک. وولف، ۱۸۹-۱۹۱؛ علیمحمدی اردکانی، ۱۹-۳۷؛ Rahmani & Moghanipoor.

۵. حدود العالم، ۹۵، ۱۰۲، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۵۹، ۱۶۰.

۶. ناصر خسرو، ۴۰، ۷۲، ۱۲۶.

۱۳۱۸م) در «تفصیل امور مصالح مسجد صیفی» یکی از وظایف قیم مساجد را محافظت از «زلالی و فرش و سجاده‌ها و علم‌ها و پوشش منبر» تعیین کرده است.^۷ او در «تفصیل امور خانقاه» نیز «بسط زلالی» را یکی از وظایف فراش دانسته است.^۸ حمدالله مستوفی (د ۷۵۰/۱۳۴۹م) نیز «زیلو قالی» را به قالیقلا (شهری در ارمنستان) منسوب کرده است.^۹ یکی از زیلوهای مشهور که به لحاظ فرم، محتوا و قدمت قابل مقایسه با هیچ یک از نمونه‌های تاکنون شناخته نیست، زیلوی استاد علی نوشابادی است که در موزه ارمیتاژ روسیه نگهداری می‌شود. درباره این قطعه که باید آن را مهم‌ترین زیلوی شناخته شده ایران دانست، ابهامات زیادی وجود دارد و نیز دیدگاه‌های مختلفی مطرح است. یکی از ابهامات زمان بافت آن است. اگرچه پژوهشگران بر آن‌اند که این زیلو تاریخ بافت ندارد، برخی قدمت آن را سده هشتم/چهاردهم تشخیص داده‌اند. این مقاله با نگاهی دقیق‌تر به سبک هنری و کتیبه‌های زیلو، در صدد ارائه پیشنهاد تازه‌ای درباره زمان بافت آن است. ابهام دیگر درباره مکان بافت این زیلوست، چه مکان‌های متعددی در ایران به نام نوش‌آباد وجود دارند و همین سبب ایجاد ابهام در تعیین محل دقیق آن شده است.

دسته‌ای دیگر از سؤالات و ابهامات به شکل، سبک هنری و محتوای کتیبه‌های این زیلو مربوط می‌شود. این زیلو به لحاظ هنر طراحی و کتابت آن با خط کوفی و نیز محتوایش، نسبت به دیگر زیلوها تمایز آشکار دارد. به لحاظ محتوایی، استفاده از آیات قرآنی و اسماء جلاله در این زیرانداز که ظاهراً منافی ارزش‌های اسلامی است، تعیین کاربرد دقیق آن را دشوار می‌کند. برخی پژوهشگران نیز آن را قطعه‌ای از زیلوی «صف» یعنی زیلویی بزرگ برای نماز گزاردن چندین نفر دانسته‌اند.

زیلوی علی نوشابادی دستبافت منحصر به فردی است که در بین پژوهشگران و

۷. رشیدالدین، ۱۲۹.

۸. همو، ۱۳۹.

۹. مستوفی، ۹۷.

علاقه‌مندان به هنر اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و تاکنون در چندین نمایشگاه در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته‌است. از این رو تحلیل و بررسی محتوای هنری و مکتوب آن و رفع ابهامات مربوط به آن در این مقاله مورد توجه قرار گرفته‌است.

در مورد زیلوبافی به طور عام تحقیقاتی انجام شده‌است. از مهم‌ترین نمونه‌ها می‌توان به مقاله کوتاهی به زبان انگلیسی از ایرج افشار^{۱۰} با عنوان «زیلو» و نیز کتاب جواد علی‌محمدی اردکانی (۱۳۸۶ش) با عنوان «پژوهشی در زیلوی یزد» اشاره کرد. اما در خصوص زیلوی مورد بحث در این نوشتار، محققان خارجی مانند آناتولی ایوانف،^{۱۱} شیلا بلر^{۱۲} و آدل آداموا^{۱۳} مطالبی فقط در حد چند سطر و نهایتاً یک صفحه نوشته‌اند.^{۱۴}

کهن‌ترین زیلوی شناخته‌شده

در جست‌وجوی قدیم‌ترین زیلوها، ریچارد اتینگهاوزن^{۱۵} از زیلوی مسجد جامع خانقاه تفت به تاریخ رمضان ۹۶۳هـ/ ۱۵۵۶م نام برده که در سال ۱۹۵۴م در بازار تهران دیده بود؛^{۱۶} اما ایرج افشار در کتاب یادگارهای یزد (چاپ اول: ۱۳۴۸ش) به زیلویی به تاریخ ۸۰۸هـ/ ۱۴۰۵م در مسجد جامع میبد اشاره کرده‌است:

«یک قطعه زیلوی وقفی کهنه در صحن ایوان پهن است به اندازه ۷/۴۰ × ۳/۱۴ متر که نقش بیست و چهار سجاده در آن بافته شده‌است: وقف صحیح شرعی نمود جناب ستوده-

10. Afshar, 31-36.

11. Anatoli Ivanov

12. Sheila S. Blair

13. Adel T. Adamova

14. Ivanov, 66; Blair, "The Religious Art of the Ilkhanids", 129; Adamova, 52.

15. Ettinghausen, "Review of K. Erdmann", fig. 3.

۱۶. زیلوی دیگری نیز به همان تاریخ توسط همان واقف به همان مسجد وقف شده که در موزه هنر اسلامی قاهره محفوظ است. برای این زیلو، نک.

Mustafa, 17; Ettinghausen, "Review of K. Erdmann", 262; Ittig, 37-42.

آداب، حاج الحرمین الشریفین، حاجی عبدالرشید خلف مرحوم عبدالعلی میبیدی این زیلو را بر پلیشه تحت قبه مسجد جامع مزبور. بیرون نبرند مگر در شبستان مسجد مزبور برند. تحریر فی شهر ربیع الثانی سنه ۸۰۸، عمل استاد علی بیدک ابن حاجی میبیدی».^{۱۷}

ایرج افشار دو دهه پس از انتشار یادگارهای یزد، در مقاله‌ای تاریخ این زیلو را به ۱۱۸۸/۴/۱۷۷۴م اصلاح نمود.^{۱۸} او در این مقاله قدیم‌ترین زیلوی یافت‌شده در ایران را متعلق به خانقاه شیخ علی بنیمان در روستای بیداخوید یزد دانسته که تاریخ ۹۲۷/۲۱-۱۵۲۰م دارد. پرویز تناولی نیز بر اساس مقاله افشار، کهن‌ترین زیلوی ایران را همان زیلوی بیداخوید در نظر گرفته است.^{۱۹} در سال‌های اخیر، جواد علیمحمدی در چند جای کتابش، پژوهشی در زیلوی یزد، از زیلوی مسجد جامع میبید سخن رانده، بدون آن‌که ارجاعی به آثار افشار بدهد.^{۲۰} او متن کتیبه را با تفاوت‌هایی در برخی کلمات خوانده، ولی تاریخ آن را همان سال ۸۰۸ در نظر گرفته است.^{۲۱} نوشته‌های سایرین نیز عموماً به همان تاریخ ۸۰۸ اشاره دارند.^{۲۲} برخی شواهد نشان می‌دهند تاریخ به‌ظاهر ۸۰۸ صحیح نیست. در سمت چپ عدد ۸۰۸، عدد ۱۱ به صورت دو حرف الف به خط ثلث نگاشته شده که ترویس^{۲۳} دارد (تصویر ۱). بنا به دلایل ذیل، تاریخ بافت این زیلو نه ۸۰۸ بلکه ۱۱۸۸ است:

۱۷. افشار، ۸۶/۱، ۴۹۲، تصویر ۴۴/۵.

18. Afshar, 35-36, fig. 4.

19. Tanavoli, 266.

۲۰. علیمحمدی، ۱۴.

۲۱. «... خلف مرحوم عبدالغنی المیبیدی آن زیلو را بر پیش تخت قبه مسجد جامع قریه. بیرون نبرند مگر در شبستان مسجد مزبور برند. تحریر فی شهر ربیع الثانی فی سنه ۸۰۸، عمل استاد علی بیک ابن حاجی میبیدی. خلاف کننده به لعنت ابدی گرفتار باد» (همان، ۱۴).

۲۲. به‌عنوان نمونه، نک. معدنی و چیت‌سازیان، ۲۳۶.

۲۳. ترویس: زایده‌ای است که در خط ثلث به بالای الف و لام می‌چسبند، به آن شَمَره هم می‌گویند.

اول: نگارش عدد یک به صورت حرف الف به خط ثلث در زیلوهای دیگر سده دوازدهم هجری نیز اتفاق افتاده است.^{۲۴}

دوم: همان بافنده (استاد علی بیک ابن حاجی میبیدی) زیلوی دیگری را به سفارش همان واقف (حاجی الحرمین الشریفین، حاج عبدالرشید بن عبدالعلی میبیدی) در همان ماه و سال (ربیع الثانی ۱۱۸۸) برای مسجد جامع یزد بافته است.^{۲۵} زیلوی دیگری نیز توسط «استاد علی بیک بن استاد حاجی المیبیدی» در «جمادی الثانی سنه ۱۱۷۷» برای مسجد جامع اردکان بافته شده بوده است.^{۲۶}

سوم: عباراتی مانند «وقف شرعی نمود»، «حاج الحرمین الشریفین»، «تحریرا فی شهر» و «خلاف کننده به لعنت ابدی گرفتار باد»، عبارات مرسوم در کتیبه‌های زیلوهای سده دوازدهم هجری در یزدند.

چهارم: برخلاف کتیبه‌های کوفی روی زیراندازهای دوره تیموری، خط ثلث کتیبه‌ها و نقوش این زیلو مطابق نمونه‌های عصر صفوی است.



تصویر ۱. زیلوی مسجد جامع میبید، ۱۱۸۸/هـ/۱۷۷۴م (علیمحمدی، تصویر ۱۶)

۲۴. نک. علیمحمدی، تصاویر ۱۲، ۷۶.

۲۵. همو، ۵.

۲۶. همو، ۱۴.

در سال ۱۹۹۰ موزه ارمیتاژ زیلویی قدیمی با امضای «استاد علی نوش‌آبادی» را در نمایشگاهی با عنوان «شاهکارهای هنر اسلامی در موزه ارمیتاژ» در دار الآثار الاسلامیه کویت به نمایش گذاشت که محققان آن را قدیم‌ترین زیلوی برجای مانده از ایران و متعلق به دوره ایلخانی یا نیمه سده هشتم/چهاردهم معرفی کرده‌اند.^{۲۷} اما هیچ‌یک به تاریخ‌گذاری دقیق‌تر زیلو و محل بافت آن یعنی نوش‌آباد نپرداختند.

تاریخ صنایع جولا‌هی در منطقه کاشان

کاشان از جمله شهرهایی است که از دیرباز صنعت نساجی در آن جریان داشته‌است. از همان آغاز یک‌جانشینی و تمدن در تپه‌های تاریخی سیلک، گویا صنعت نساجی نیز در این منطقه جریان داشته‌است. فراوانی سر دوک‌های ریسندگی یافت‌شده در این محوطه بیانگر رونق صنعت بافندگی در کاشان در هزاره‌های قبل از میلاد است.^{۲۸} در دوران اسلامی نیز نساجی و جولا‌هی از صنایعی بوده که کاشیان به آن شهره بوده‌اند، تاجایی که این شهرت باعث تمایز از شهرهای دیگر می‌شده‌است. در کتاب النقص عبدالجلیل قزوینی رازی که در نیمه سده ششم هجری و در پاسخ به اتهامات و نقدهای نویسنده‌ای سنی به شیعیان تألیف شده، در جایی به عبارت منتقد سنی اشاره شده که از اهالی کاشان با عنوان جولا‌هگان (بافندگان) یاد کرده‌است.^{۲۹} هرچند وجه تحقیرآمیز این نسبت مشخص نیست، اما نشان می‌دهد که در دوره سلجوقی کاشیان بدین پیشه شهرت داشتند.^{۳۰} در این دوره انواع پارچه-

27. Ivanov, 66; Blair, "The Religious Art of the Ilkhanids", 129; Adamova, 52; Bailey, 28.

۲۸. گیرشمن، ۳۵، ۴۲؛ و ساروخانی، ۳۸۹.

۲۹. قزوینی رازی، ۲۹۶.

۳۰. «عجب است که خران ورامین و کفش‌گران درغابش و عوانان قم و کلاهگران آوه و جولا‌هگان کاشان و کیاکان ساری و ارم و خربندگان سبزوار در قفای محمد و علی بدارند و به بهشت برند که اینان شیعه آل محمدند و صحابه رسول و بزرگان و امامان به دوزخ برند» (قزوینی رازی، ۲۹۶).

های زربفت مزین به نقوش هندسی، گیاهی و انسانی در کاشان تولید می‌شد. نمونه‌های این منسوجات در جامه‌های نقاشی شده روی سفالینه‌های این شهر صنعتی مشهود است.^{۳۱}

جوزافا باربارو^{۳۲} در سفر خود به کاشان در قرن نهم/پانزدهم می‌نویسد: «به شهری پرجمعیت رسیدم به نام کاشان، در آنجا پارچه‌های ابریشمی و نخی چندان فراوان به دست می‌آید که هر کس در یک روز به ارزش دو هزار دوکات^{۳۳} می‌تواند از این پارچه‌ها فراهم کند».^{۳۴} در دوره صفوی و قاجار نیز کاشان و اطراف آن یکی از مناطق مهم نساجی و قالی‌بافی بوده و انواع منسوجات و فرش در این منطقه تولید می‌شده‌است. به گواهی منابع متعدد تاریخی، هزاران کارخانه و ده‌ها هزار دستگاه بافندگی یا جولاهی و شعربافی، در کاشان، آران و بیدگل و اطراف آن وجود داشته و خلقی عظیم بدان مشغول بوده‌اند.^{۳۵}

سیاحان اروپایی که از کاشان بازدید کرده‌اند، بیشتر به وصف کارگاه‌های ابریشم‌بافی کاشان پرداخته و اطلاعات چندانی از دست‌بافته‌های پنبه‌ای در اختیار ما نگذاشته‌اند. آنان به صنعتی بودن کاشان و اهمیت نساجی در ساختار تجاری شهر تأکید کرده‌اند؛ به عنوان نمونه، ژان شاردن^{۳۶} اساس ثروت و حیات مردم کاشان را صنعت نساجی دانسته و گفته‌است

31. Ackerman, 2011-2017.

32. Giosafat Barbaro (d. 1494).

۳۳. دوکات: سکه‌ای طلا با عیار ثابت ۹۸۶/۱ و وزن ۳/۵ گرم که برای اولین بار در اواخر قرون وسطی در ونیز و در سده‌های بعد در سراسر اروپا ضرب شد.

۳۴. باربارو و دیگران، ۸۹.

۳۵. به عنوان نمونه، در سال ۱۱۰۰/۸۹-۱۶۸۸م، محمد بدیع ملیحای سمرقندی در ذکر احوال یک شاعر به نام طاهر نقاش که پیشه اصلی‌اش نقشبندی پارچه بود می‌نویسد که «شعربافان مجموع بلاد ایران به او محتاجند» (ملیحای سمرقندی، ۴۰۳-۴۰۵). از دیگر نمونه‌ها می‌توان به متن محمدرضا بن جعفر و صاف اشاره کرد که در سال ۱۳۱۰/۳-۱۸۹۲م نوشته‌است. او می‌نویسد که زمانی ۱۷۰۰ دستگاه شعربافی در بیدگل (در حوالی کاشان) وجود داشته که انواع منسوجات مانند «تافته‌های گلدار و حریر موجدار و زری‌های خوب و مخمل پرخواب و اطلسی مشجر و قطنی سنگین و الجه رنگین و قناویز الوان و قصب لطیف و سایر اقمشه ابریشمین» را می‌بافته‌اند (وصاف، ۵-۶).

36. Jean-Baptiste-Siméon Chardin (d. 1713).

که در هیچ یک از بلاد ایران انواع منسوجات بیشتر از کاشان تولید نمی‌شود.^{۳۷} او هم‌چنین می‌نویسد که تنها در یکی از نقاط حومه کاشان به نام آران، هزار کارگر ابریشم‌باف وجود دارد.^{۳۸} آدام اولناریوس (یا اولشلگر)^{۳۹} آلمانی که در سال ۱۶۳۵ میلادی به کاشان آمد، به حضور تاجرانی از سایر اقوام و ملل از جمله هندی‌ها در بازار کاشان اشاره کرده و در ادامه نوشته‌است که پارچه‌بافان را می‌توان در حجره‌های باز هنگام بافندگی مشاهده کرد.^{۴۰}

گرچه از تاریخ زیلوبافی در کاشان خبر چندانی نداریم، اما زیلوی مورد بحث در این مقاله، سابقه این هنر- صنعت در کاشان را حداقل به آغاز سده نهم هجری باز می‌گرداند. در یک لوح سفالی زرین‌فام، متعلق به قدمگاه مسجد علی قهرود کاشان که تاریخ صفر ۱۷۳۶/اکتبر ۱۳۳۵ دارد، از زیلو نام برده شده‌است. در متن این لوح که در قالب شعر است، برای توصیف کف‌فرش یک بنا از عبارت «بساطش جمله زیلوی منقش» استفاده شده‌است. این عبارت بر کاربرد زیلو در این منطقه دلالت دارد و احتمال بافت آن در کاشان دوره ایلخانی را تقویت می‌کند.^{۴۱}

آناتولی ایوانف با توجه به صفت نسبی «نوش‌آبادی» برای بافنده زیلوی مورد بحث در این مقاله گفته‌است که چند نوش‌آباد در نواحی مختلف ایران وجود دارد و مشخص نیست که این زیلو به کدام نوش‌آباد اشاره دارد.^{۴۲} در لغت‌نامه از سه نوش‌آباد یاد شده‌است: نوش‌آباد، دهی از دهستان حومه غربی رفسنجان با ۳۵۰ سکنه که شغل مردمانش زراعت و

۳۷. شاردن، ۳/ ۸۵-۸۶.

۳۸. همو، ۸۶.

39. Adam Ölschläger (d. 1671).

۴۰. اولناریوس، ۱۶۶.

۴۱. متأسفانه این لوح سفالی از جای اصلی خود کنده شده و در سال ۲۰۱۱ در حراجی ساتبی لندن برای فروش عرضه شده‌است. برای این لوح نک. مشهدی نوش‌آبادی و غیاثیان، ۱۰۶، ۱۲۶؛

Sotheby's, 144, lot 306.

42. Ivanov, 66.

گله‌داری است.^{۴۳} جمعیت این روستا بر اساس سرشماری سال ۱۳۶۵ ش، ۲۹۶ نفر بوده- است.^{۴۴} نوش‌آباد دیگر در دهستان حومه بخش خاش از شهرستان زاهدان با ۱۵۰ سکنه که پیشه مردمش زراعت و گله‌داری است.^{۴۵} در سال ۱۳۶۵ ش جمعیت این روستا ۱۲۹ نفر بوده است.^{۴۶} هم‌چنین در لغت‌نامه از نوش‌آباد با عنوان قصبه‌ای از بخش آران شهرستان کاشان با ۵۲۵۰ سکنه یاد شده که شغل مردمانش زراعت، گله‌داری، قالی‌بافی و پارچه‌بافی است و ۳۳ مزرعه تابعه دارد که در آن‌ها پنبه و ابریشم نیز کشت می‌شود. بر اساس آمار سال ۱۳۶۵ ش جمعیت نوش‌آباد ۸۴۹۴۱ نفر بوده است.^{۴۷} این نوش‌آباد از سال ۱۳۸۰ تبدیل به شهر شد و در اکنون بیش از ده‌هزار نفر جمعیت دارد.

تصور این‌که روستاهایی در نزدیک خاش یا رفسنجان که آثار و نشانه‌های شاخصی از دوره‌های تاریخی ندارند و از قالب دهی کوچک فراتر نرفته‌اند و هم‌چنین از صنعت بافندگی و پارچه‌بافی در آن‌جا خبری و اثری نیست، مستعد صنعت زیلوبافی با آن ظرافت مثال‌زدنی باشند بسیار مشکل است. اما در مقابل، کاشان و شهرهای اطراف مانند آران، بیدگل و نوش‌آباد، در صنعت بافندگی چندین قرن سابقه دارند. در منابع کهن اسلامی مانند اعلاق النفیسه^{۴۸} (قرن سوم/نهم)، تاریخ قم^{۴۹} (قرن چهارم/دهم) و دیوان ابوالرضا راوندی^{۵۰} (قرن ششم/دوازدهم) به نوش‌آباد اشاره شده است. هم‌چنین در یکی از نامه‌های بابا افضل کاشانی از حکمای قرن هفتم/سیزدهم به «صدر سعید تاج‌الدین محمد نوش‌آبادی» به سکونت

۴۳. دهخدا، ذیل واژه.

44. URL 1.

۴۵. دهخدا، ذیل واژه.

46. URL 1.

۴۷. همانجا.

۴۸. ابن رسته، ۱۸۲.

۴۹. قمی، ۷۶-۷۷.

۵۰. راوندی، ۷۴.

مخاطب نامه در نوش‌آباد اشاره ضمنی شده است.^{۵۱} علاوه بر این، چندین نسخه خطی کتابت شده در سده هفتم/سیزدهم به قلم کاتبان نوش‌آبادی شناخته شده است.^{۵۲} هم‌چنین آثار چندی از دوره سلجوقی مانند مناره کتیبه‌دار و محراب گچی کتیبه‌دار در مسجد جامع نوش‌آباد به جا مانده است.^{۵۳} از آثار فرهنگی دوره ایلخانی نیز می‌توان به دو کاشی کتیبه‌دار فیروزه‌ای یافت شده در مسجد قائمیه، شهر زیرزمینی (اویی) و ظروف سفالی متعدد کشف شده در کاوش‌های شهر زیرزمینی اشاره کرد.^{۵۴} بدین ترتیب نوش‌آباد در دوره ایلخانی آبادی پررونقی بوده که هنر و فرهنگ در آن جریان داشته است. از طرفی نوش‌آباد در کنار شهرهای دیگر منطقه مانند کاشان و آران و بیدگل دارای صنعت جولا‌هی (بافندگی) بوده که پذیرش بافت زیلوی مورد نظر در نوش‌آباد کاشان را بسیار آسان می‌کند. صنعت پارچه‌بافی در این شهر تا اوایل دوره پهلوی رواج داشت و بافت قالی نیز در آن جا هم چنان ادامه دارد.^{۵۵}

۵۱. مرقی کاشانی، ۷۰۶.

۵۲. از جمله این نسخه‌ها می‌توان به این مواد اشاره کرد:

- رسائل بابا افضل که در سال ۶۷۶ هـ توسط محمد ابن یوسف ابن علی نوش‌آبادی استنساخ شده و امروزه در یک مجموعه خصوصی در یزد است. نک. ابونئی مهریزی و ذوالفقاری، ۳۰۵-۳۰۶.
 - الکشاف زمخشری که در سال ۶۸۰ هـ در بغداد توسط کاتبی به نام دولت‌شاه بن محمد نوش‌آبادی کتابت شده و امروزه در دانشگاه تهران (به شماره ۲۰۰۲) محفوظ است. نک. فهرست نسخ خطی دانشگاه تهران، ۶۲۱/۸.
 - منهاج البیان (حواشی) که در مدرسه مجدیبه کاشان کتابت شده و در سال ۶۲۶ هـ در نوش‌آباد بر آن تحشیه نوشته شده است. دانشگاه تهران (ش ۸۱۹۰/۲). نک. فهرست نسخ خطی دانشگاه تهران، ۴۹/۱۷.
۵۳. نک. مشهدی نوش‌آبادی، نوش‌آباد در آینه تاریخ، آثار تاریخی و فرهنگ، ۴۱-۵۴.
۵۴. همو، نوش‌آباد دیار کهن، ۲۹، ۴۷-۵۲.
۵۵. نک. همو، نوش‌آباد در آینه تاریخ، آثار تاریخی و فرهنگ، ۳۲.



راست: تصویر ۲. بخشی از یک زیلو، عمل استاد علی نوشابادی، نوش آباد، نیمه اول سده هشتم / چهاردهم، اندازه: ۱۰۴×۴۶ سانتی متر، موزه ارمیتاژ، سنت پترزبورگ (شماره دسترسی: IR. 2253). (Bailey, 28)

چپ: تصویر ۳. پشت همان زیلو (بدائع الفن، ۹۳).

زیلوی استاد علی نوشابادی

این زیلو در سال ۱۹۸۵م توسط موزه ارمیتاژ خریداری شده و اکنون به شماره دسترسی: IR. 2253 در آنجا نگهداری می‌شود (تصاویر ۲ و ۳). چنان‌که گذشت، سایر محققان بر اساس فرم حروف کتیبه کوفی، این زیلو را متعلق به هنر اواخر دوره ایلخانی (نیمه اول سده هشتم/چهاردهم) و یکی از قدیم‌ترین فرش‌های باقی‌مانده از دوران اسلامی ایران

دانسته‌اند.^{۵۶} این زیلو به دلیل اهمیتی که داشته از سال ۱۹۹۰ تاکنون در چندین نمایشگاه هنر اسلامی در خارج از روسیه به نمایش گذارده شده است.^{۵۷}

در نگاه اول، این زیلو شباهت زیادی به زیلوهای سجاده‌ای صف دارد که قدیم‌ترین نمونه آن، قالی‌هایی است که در قلمرو سلجوقیان روم بافته شده است.^{۵۸} در ایران زیلوهای صف عموماً در یزد و میبد بافته می‌شدند که نمونه‌های متعددی از آن‌ها از دوران صفوی و قاجار به جا مانده است. کوچک‌ترین زیلوهای صف تولیدشده در یزد، سه محراب در یک ردیف و بزرگ‌ترین آن‌ها ۴۲ محراب در سه و حتی پنج ردیف داشته‌اند.^{۵۹} در زیلوی استاد علی نوش‌آبادی تنها دو محراب باقی مانده است. این زیلو چهار تفاوت بسیار مهم با نمونه‌های یزدی دارد: اول، بر خلاف زیلوهای یزدی مورد اشاره که نقوش میانی محراب آن‌ها با یکدیگر تفاوت دارد، در این زیلو طرح و نقش محراب‌ها یک‌سان است؛ دوم، زیلوی نوش‌آباد منقوش به آیات سوره اخلاص است که کاربرد آن به عنوان زیلوی صف را با تردید مواجه می‌کند؛ سوم، فاقد نام واقف و محل وقف است و فقط نام بافنده روی آن دیده می‌شود؛ چهارم، ابعاد بسیار کوچک‌تری نسبت به زیلوهای صف دارد، درحالی‌که اندازه هر کدام از محراب‌های زیلوهای صف یزدی از ۸۰×۱۲۰ سانتی‌متر به بالاست،^{۶۰} کل قطعه زیلوی نوش‌آباد که شامل یک‌ونیم محراب است، ابعادی در حدود ۴۶×۱۰۴ سانتی‌متر دارد. بنابراین باید گفت که یک محراب آن با عرضی در حدود سی سانتی‌متر به تنهایی

56. Ivanov, 66; Blair, "The Religious Art of the Ilkhanids", 129; Adamova, 52; Bailey, 28.

۵۷. این زیلو به ترتیب در سال‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ در دار الآثار الاسلامیه کویت (بدائع الفن، ۱۹۹۰)، کلیسای جدید (De Nieuwe Kerk) آمستردام (Ivanov, 2000)، و شعبه ارمیتاژ در آمستردام (Adamova, 2007) به نمایش گذارده شده است.

۵۸. برای نمونه، نک. Bérinstain & Day, 61.

۵۹. محبی و آشوری، ۴۶.

۶۰. کمندلو، ۴۲.

قابلیت استفاده برای یک نمازگزار را ندارد. از این نشانه‌ها می‌توان چنین استنباط کرد که احتمالاً زیلوی مذکور کاربردی نمادین و غیر از فرش کردن مسجد داشته‌است.

در زیلوی علی نوشابادی، هر محراب دو بخش فوقانی (طاق‌نما) و تحتانی (بدنه) دارد. طاق‌نما به شکل یک پنج‌ضلعی طراحی شده که در اطرافش موج‌های حلزونی شکل طراحی شده‌است. در سمت آبی زیلو، نواری سفیدرنگ طاق‌نماها را از بقیه بخش‌ها متمایز کرده و این نوار سفید در حاشیه محراب اول تا پایین امتداد یافته‌است. در درون طاق‌نما یا سجده‌گاه ده چلیپای شکسته (گردونه خورشید) در درون و برون یک نه‌ضلعی ترسیم شده‌است. این نماد باستانی که در نمونه‌های یزدی هم به چشم می‌خورد، نشان چرخش خورشید به‌شمار می‌آید. در لچکی‌های طرفین هر طاق‌نما هفت بار کلمه «الملک» به خط کوفی نوشته شده که به دلیل کمبود فضا، دو فقره بالایی به صورت «المل» آمده‌است (تصویر ۴). در لچکی‌های به‌هم‌پیوسته بین دو محراب، چهارده بار کلمه «الملک» به صورت آینه‌وار درج شده‌است. کلمه «الملک» مخفف «الملک لله» بوده که در اقسام گوناگون هنرها کاربرد داشته‌است. رواج گسترده و تکرار عبارت «الملک لله» در کتیبه‌های سده‌های نخست اسلامی ایران به حدی است که شیلا بلر آن‌ها را نوعی «کلیشه یا حتی پرکننده فضاها» می‌داند.^{۶۱} یکی از نمونه‌های نوشتاری کلمه «الملک» را در یکی از نقاشی‌های مرقعات دیتس^{۶۲} می‌توان یافت که در نیمه سده هشتم/چهاردهم اجرا شده‌است (تصویر ۵). در این نقاشی، کتیبه‌ای در یک بنا ترسیم شده که در آن سه بار کلمه «الملک»

61. Blair, *The Monumental Inscriptions from Early Islamic Iran and Transoxiana*, 9.

62. مرقعات دیتس (The Diez Albums) شامل پنج جلد مرقع است که در سال ۱۷۸۹ میلادی توسط هاینریش فردریش دیتس (Heinrich Friedrich von Diez) در استانبول خریداری شد. این مجموعه در بردارنده بیش از چهارصد نقاشی، طراحی و قطعات خوشنویسی است که اغلب در دوره‌های ایلخانی، جلایری و تیموری کار شده‌اند و امروزه در کتابخانه دولتی برلین نگهداری می‌شود. برای جامع‌ترین و جدیدترین تحقیق در مورد این مرقعات، نک. Gonnella et al.

و در انتهای آن «الملک» آمده که از نظر سبک نوشتار با زیلوی مورد بحث ما شباهت بسیار دارد.

در حالت کلی، جز کلمه «الملک» نقش‌مایه‌های دیگری نیز در این زیلو وجود دارد که سازگار با نقوش زیراندازها در نقاشی‌های دوره ایلخانی و تیموری است. کتیبه حاشیه به خط کوفی و نیز شبکه‌ای از نقوش هندسی شامل مربع‌ها و شمشه‌های درهم‌تنیده قابل مقایسه با زیراندازهایی است که در نقاشی‌های شاهنامه بزرگ مغولی به چشم می‌خورد (تصویر ۶).

الملک الملک الملک الملک
میرا میرا میرا میرا

تصویر ۴. صورت نوشتاری کلمه «الملک» در زیلوی نوش‌آباد، (نگارندگان همین مقاله).



تصویر ۵. بخشی از یک نقاشی در آلبوم دیتس، نیمه سده هشتم/چهاردهم، احتمالاً تبریز، کتابخانه دولتی برلین (Diez Alben, fol. 71. no. 13)، (مأخذ: کتابخانه دولتی برلین).



تصویر ۶. بخشی از نگاره «صورت تابوت اسکندر»، شاهنامه بزرگ مغولی، تبریز، حدود ۱۳۳۰م، ابعاد کاغذ: ۵۷/۶×۳۹/۷ سانتی متر، گالری هنر فریر/اسکالر، واشنگتن (شماره دسترسی: F1938.3)، (مأخذ: URL 2).

بخش پایینی هر محرابِ زیلوی نوش‌آباد شامل مستطیلی است که حدوداً دو برابر بخش طاق‌نما ارتفاع دارد. در مرکز، یک مستطیل بدون نقش جای گرفته که در میان آن، مستطیلی دراز مزین به نقوش هندسی قرار دارد. نقوش آن شامل ستونی از چلیپاهای بر روی هم قرار گرفته است. مربع-مستطیل‌هایی فضای خالی چهار گوشه چلیپاها و نیز مرکز آن‌ها را پر کرده‌اند. دو ردیف کتیبه نوشتاری در چپ و راست و بالای این مستطیل وجود دارد. دو کتیبه سمت چپ هر محراب خواناست، اما دو کتیبه سمت راست آن به صورت قرینه بافته شده و از پشت زیلو قابل خواندن است. متن کتیبه‌ها شامل سوره اخلاص، نام بافنده و تاریخ بافت بدین شرح خوانده می‌شود (تصویر ۷):

بسم الله الرحمن الرحيم | عمل استاد علی نوشابادی | ماه رمضان سنه

قل هو الله احد الله صمد لم يلد و لم يولد و لم يكن له و كفو احد | حق

نوع طراحی متن کتیبه‌ها به گونه‌ای است که پژوهشگر را بر آن می‌دارد که ادامه آن را در کتیبه‌های ردیف افقی بالایی بیابد؛ خاصه آن که سال بافت در نگاه نخست به چشم نمی‌آید

(تصویر ۸). محققان غربی چنین فرض کرده‌اند که عبارت تاریخ این زیلو از بین رفته- است،^{۶۳} اما بر اساس سالم ماندن یک محراب و کتیبه‌های حاشیه آن، نمی‌توان تصور کرد تاریخ آن افتاده باشد. بنابراین، دو فرضیه را می‌توان مطرح کرد: اول این‌که سال ذکر نشده باشد و دوم این‌که سال به صورت رمزی و ناروشن در بخشی از کتیبه آمده باشد. فرض اول بسیار بعید می‌نماید؛ چه هیچ دلیل منطقی وجود ندارد عبارت «ماه رمضان سنه» ذکر شود و سال ثبت نشود. بنابراین اگر بخواهیم بعد از کلمه «سنه» دنبال عبارتی باشیم که سال بافت را بر ما آشکار کند، باید در کتیبه افقی که در بالای این کلمه ادامه یافته تأمل کنیم (تصویر ۸). اگر این یک کتیبه نوشتاری باشد، همانند مابقی متن بدون نقطه است و شاید با تسامح بتوان آن را «ثمان ثمانمائه (؟)» - بدین صورت: **لثمان لثمانمائه** - خواند که یک بار نیز به صورت آینه‌وار تکرار شده چون بایست در پشت زیلو هم خوانده می‌شده است. نون کلمه «ثمان» یا حذف شده، یا به صورت علامت گروه‌مانندی در زیر «ثما» جای گرفته است. دلیل حذف یا تغییر شکل دادن نون نیز اقتضای طراحی خاص و متقارن این بخش از کتیبه یا اشتباه املائی بوده است. اشتباهات املائی در کتیبه‌های زیلوها رایج بوده^{۶۴} و در متن این زیلو نیز شاهدیم که یک واو قبل از کلمه «کفو» زیادی است و بعد از آن نیز یک الف کم دارد، یا این‌که کلمه «رحمان» با املائی نامرسوم نوشته شده است.

بنابر این‌ها، اگر فرضیه مذکور در مورد تاریخ‌گذاری را بپذیریم، باید گفت که این دستبافت در رمضان ۸۰۸/هـ ۱۴۰۶م بافته شده است. با این حساب، این اثر نه تنها کهن‌ترین زیلو بلکه کهن‌ترین فرش تاریخ‌دار شناخته شده در دوره اسلامی ایران است. با این توضیح که کهن‌ترین فرش‌های باقی مانده از دنیای اسلام نمونه‌هایی است که در قلمرو سلجوقیان روم در منطقه آناتولی به خصوص در قونیه بافته شده است.^{۶۵}

63. Ivanov, 66; Bailey, 28.

۶۴. به‌عنوان نمونه نک. علیمحمدی، ۵۸-۶۰.

۶۵. برای فرش‌های سلجوقیان روم، نک. Aslanapa, 12-33; Ertuğ and Grabar, 206-207.

پس از سوره اخلاص، کلمه بدون نقطه‌ای آمده که می‌توان آن را «حق» در نظر گرفت؛ و در ادامه، در ردیف افقی بالایی اش نقش مایه‌هایی کوفی وار آمده که در عین ناخوانایی شاید بتوان آن‌ها را تکرار کلمه «تعالی» در نظر گرفت. این نقش مایه که در بالاترین حاشیه زیلو نیز تکرار شده، نیاز به تأمل بیشتر و تطبیق با سایر زیراندازهای هم‌عصر با آن دارد. قدیم‌ترین فرش‌های ایران اسلامی به دوره تیموری برمی‌گردد که از آن زمان نیز نمونه‌های بسیار کمی باقی مانده است. به همین دلیل، مهم‌ترین منبع تصویری برای شناخت فرش ایران در دوره‌های ایلخانی و تیموری نقاشی‌های نسخ خطی است. هر طرحی که زمینه اصلی این فرش‌ها داشته باشد، حاشیه‌های بسیاری از آن‌ها طرح‌هایی از کتیبه‌های خطوط کوفی یا چیزی شبیه آن را نشان می‌دهند (تصویر ۹). در میان محققان، جورج مایلز^{۶۶} اولین کسی بود که به مطالعه این دست از کتیبه‌ها که خوانایی لازم را نداشته و بیشتر حالت تزئینی به خود گرفته‌اند پرداخت. او آن‌ها را «کوفسک»^{۶۷} نام‌گذاری کرد که ترکیب دو واژه کوفی و آرابسک است و بعدها نیز این اصطلاح توسط مورخان هنر اسلامی به کار برده شد.^{۶۸} بعدها ریچارد اتینگهاوزن به مطالعه یکی از تزئینات پرکاربرد در کتیبه‌های کوفسک پرداخت که شامل دو شکل گروه‌مانند در دو طرف یک نقش مایه گیاهی است (تصویر ۹). او آن‌ها را «هم‌رفت (سندرم) بلند-کوتاه-بلند»^{۶۹} نامید و برگرفته از نگارش کلمه «الله» دانست.^{۷۰} او اولین نمونه‌های کاربرد آن را در سنگ مزارهای قرن سوم/ نهم مصر معرفی کرد که برای نوشتن کلمه «الله» یک قوس تزئینی در میان دو حرف لام آمده است.^{۷۱}

66. George C. Miles.

67. Kufesque.

68. Miles, 20.

69. Tall-short-tall syndrome.

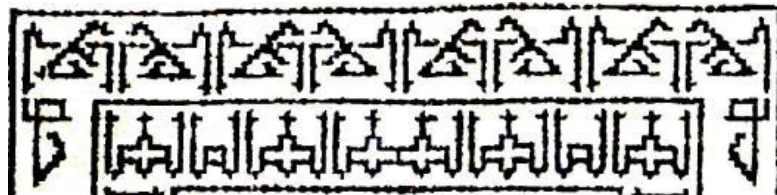
70. Ettinghausen, "Kufesque in Byzantine Greece, the Latin West and the Muslim World", 29.

۷۱. همان، تصاویر ۱۲، ۱۵.

اما ژولیا بیلی^{۷۲} با توجه به این نکته که در بسیاری از موارد، کلمه «الملک» به تنهایی نوشته شده است، بخش میانی همین کلمه (لام-میم-لام) را منشأ این نقش مایه دانسته است.^{۷۳} این نقش مایه در کتیبه‌های ظروف فلزی دوره سلجوقی به صورت تکراری از حروف الف و لام رواج گسترده یافت. اسدالله ملکیان شیروانی در برخی از ظروف فلزی سلجوقی تولیدشده در خراسان کتیبه‌هایی از تکرار حروف الف و لام شناسایی کرده است.^{۷۴} این کتیبه‌ها می‌تواند مرتبط با کهن‌ترین تصنیف تصوف یعنی رساله عطف الألف المألوف علی اللام المعطوف نوشته ابوالحسن علی ابن محمد دیلمی (د ۳۹۱/هـ ۱۰۰۱م) باشد.^{۷۵}

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَأَرْسَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتِنَا أَنْتَ نَزَّلْنَا الْوَقُورَ وَالْجُدَّ وَالْحَمْدَ وَالْحَمْدَ وَالْحَمْدَ

تصویر ۷. متن کتیبه نوشتاری زیلوی نوش‌آباد (مأخذ: نگارندگان).



تصویر ۸. کتیبه‌های کوفی وار زیلوی نوش‌آباد (مأخذ: نگارندگان).

72. Julia Bailey.

73. Bailey, 22.

74. Melikian-Chirvani, 174-75.

75. برای تحقیقی در خصوص رساله عطف الألف، نک. زینی‌وند و نجفی، ۵۳-۷۶.



تصویر ۹. کتیبه‌های کوفی حاشیه فرش‌ها، ترسیم شده در نقاشی‌های نسخ خطی دوره تیموری (Briggs, figs. 65-69).

نکاتی درباره کاربرد این زیلو

در نگاه ظاهری اولیه، تنها کاربردی که برای این زیلو به ذهن متبادر می‌شود زیرانداز صف است؛ چنان که سایر محققان چنین کاربردی را برای آن پذیرفته‌اند.^{۷۶} اما همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، وجود کتیبه سوره اخلاص و اندازه کوچک‌تر از حد معمول، کاربرد این زیلو به عنوان زیرانداز صف را منتفی می‌کند. یکی از گمان‌هایی که درباره زیلوی نوش‌آباد می‌توان مطرح کرد، کاربرد آن به عنوان سجاده نمادین در تصوف است. سجاده در میان زهاد و صوفیان حکم مسجد داشته و همراه داشتن آن ضروری بوده است.^{۷۷} هم‌چنین سجاده علاوه بر کاربرد عبادی نشانی برای تعیین جانشین یا اجازه ارشاد نیز بوده است. سجاده در میان وصله‌هایی که صوفیان همراه خود داشتند حائز اهمیت خاص و جزو لوازم ضروری

۷۶. بدائع الفن، ۹۲؛

Ivanov, 66; Blair, "The Religious Art of the Ilkhanids", 129; Bailey, 28.

۷۷. باخرزی، ۲/ ۹۸-۹۹، ۱۶۸؛ طاهری و کوچکی سنجانی، ۷۴.

همراه صوفیان مسافر بود و آداب مخصوصی داشت. ابوالمفاخر یحیی بن احمد باخرزی (د ۷۳۶/۱۳۳۶م)، از مشایخ کبرویه درباره سجاده می‌نویسد: «و هر درویشی را باید که سجاده‌ای باشد خاص که بر آن‌جا نماز گزارد و بر آن‌جا نشیند. سجاده، صوفی را حکم مسجد است، مادام که بر سجاده است هم چنان است که در مسجد است».^{۷۸}

سجاده مانند خرقة یکی از نشان‌های جانشینی یا خلیفگی شیخ بود؛ بدین ترتیب که اعطای آن به مرید همانند اعطای خرقة ارادت حکم جانشینی یا اجازه ارشاد داشت؛ برای نمونه، خواجه عبدالسلام کامویی^{۷۹} یکی از مشایخ منطقه کاشان که در دوره بافت زیلوی نوش‌آباد یا پیش از آن می‌زیسته، سجاده‌ای را که از شهاب‌الدین سهروردی به وی رسیده بود به انضمام نامه‌ای برای تقی‌الدین دادا یکی از شاگردان خاصش از کاشان به یزد فرستاد. در بخشی از این نامه چنین آمده است:

«فرزند خلف الاولیا، الملک (معمد) الفقرا- ادام الله توفیقه، از قبل درویشان مخصوص است به سلام و تحیت و از اندیشه ما خالی نیست. شناخته می‌آید که بعد از تقدم مراسم عبودیت خالق، به خدمت درویشان مشغول است. به‌غایت پسندیده افتاد سجاده‌ای که از حضرت مخدوم و مقتدای به‌حق، سلطان العارفين، شیخ شهاب‌المله و الدین عمر سهروردی قدس الله سره‌العزیز، بخشش رسیده بود به این ضعیف، چون سلسله معنوی با آن فرزند، سمت تأکید داشت، خواستیم که نسبت صوری نیز مؤکد گردد. آن سجاده به آن عزیز فرزند فرستادیم که ما را کار به آخر رسیده».^{۸۰}

بنابراین زیلوی نوش‌آباد را می‌توان به‌عنوان سجاده‌ای صوفیانه فرض کرد که بیشتر جنبه نمادین داشته است نه زیراندازی با کاربرد معمول و متعارف. شاید به همین سبب است که

۷۸. باخرزی، ۹۸-۹۹.

۷۹. درباره خواجه عبدالسلام کامویی، نک. مشهدی نوش‌آبادی، «عبدالسلام کامویی: شیخ المشایخ سهروردیه در عراق عجم، یزد و کرمان»، ۱۱۹-۱۴۱.

۸۰. حمویی یزدی، کنز السالکین: برگ ۲۶۵.

کم و بیش این بافته بسیار کهن سالم باقی مانده و در اثر استفاده مکرر فرسوده نشده و از میان نرفته است. توجه به این کاربرد، استفاده از عبارات قرآنی و اسماء جلاله را منطقی جلوه می‌دهد، زیرا مشکل است که این عبارت‌ها برای زیراندازی باشد که به‌طور معمول زیر پا قرار می‌گیرد.

نکته دیگر درباره صوفیانه بودن این زیلو محتوای متون مورد استفاده در آن است: سوره اخلاص، کلمات «الملک»، «حق» و «تعالی»، نام بافنده و تاریخ. اگرچه هنرمند زبردست نام خود را در کتیبه‌ها آورده است اما از بانی یا صاحب آن خبری نیست. این در حالی است که معمولاً نام بانی بر روی زیلو بافته می‌شود. تمامی این نکات احتمال صوفیانه بودن این زیلو را تقویت می‌کنند.

نتیجه

پژوهشگران هنر اسلامی این زیلو را اثری بدون تاریخ از سده هشتم هجری دانسته‌اند، اما در این مقاله تاریخ رمضان ۸۰۸ هـ برای آن پیشنهاد شده که به لحاظ سبک نیز مختصات این دوره را داراست. بنابراین در میان فرش‌های پرزدار و بدون پرز شناخته شده از ایران دوران اسلامی، زیلوی استاد علی نوشابادی کهن‌ترین نمونه است. نکته جالب توجه این که تاریخ زیلوی دیگری در ایران از سوی برخی به اشتباه ۸۰۸ هجری خوانده شده، اما بنا بر شواهد ارائه شده در این مقاله تاریخ حقیقی آن ۱۱۸۸ است.

زیلوی علی نوشابادی چنان که تحلیل شد در نوش‌آباد از قرای کاشان بافته شده است که سابقه صنایع نساجی و بافندگی در آن به پیش از اسلام می‌رسد و بر ما مسلم است که از دوران سلجوقی به این طرف این صنعت در آن‌جا رونق تمام داشته است. خود نوش‌آباد نیز در دوران بافت این زیلو و پیش از آن جای شناخته شده‌ای در هنر اسلامی و کتابت بوده است و تا اوایل دوران پهلوی مردمانش به صنعت نساجی مشغول بوده‌اند.

درباره کاربرد زیلو نیز البته به‌طور دقیق نمی‌توان اظهار نظر کرد، چون اندازه واقعی آن

بر ما روشن نیست. اما با در نظر گرفتن محتوای متن و ساختاری که متن در آن قرار گرفته است، بعید می‌نماید که زیلوی صف باشد. از این رو متناسب با محتوای صوفیانه و جایگاه سجاده در نزد صوفیه به ویژه وجه نمادین آن ما را بر آن می‌دارد که این زیلو را سجاده‌ای برای تعیین جانشین مشایخ یا رخصت ارشاد بدانیم، امری که در تاریخ تصوف سابقه داشته است و در منطقه کاشان نمونه‌هایی از آن یافت می‌شود. با این اوصاف، هنوز پرسش - هایی درباره این زیلو باقی است که باب پژوهش را برای این دست‌بافت ارزشمند و بی‌مانند ایران اسلامی، هم‌چنان باز نگاه می‌دارد.

منابع

- ابن رسته، احمد بن عمر، الاعلاق النفیسه، ترجمه و تعلیق حسین قره چانلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵ ش.
- ابوئی مهریزی، محمدرضا و وحید ذوالفقاری، «نسخه‌ای نویافته از رسائل بابا افضل کاشانی در یزد»، کاشان شناخت، ش ۷ و ۸، ۱۳۸۸ ش.
- افشار، ایرج، یادگارهای یزد، جلد اول، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۴ ش.
- اولناریوس، آدام، سفرنامه آدام اولناریوس: ایران عصر صفوی از نگاه یک آلمانی، ترجمه احمد بهپور، تهران، ابتکار نو، ۱۳۸۵ ش.
- باخرزی، یحیی بن احمد، اوراد الاحباب و فصوص الآداب، جلد دوم، به کوشش ایرج افشار، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ش.
- باربارو، جوزافا، آمبروزیو کنتارینی، کاترینو زنو، آنجو لولو، وینچنتو دالساندری، سفرنامه‌های ونیزیان در ایران: شش سفرنامه، ترجمه منوچهر امیری، تهران، خوارزمی، ۱۳۸۱ ش.
- بدائع الفن، بدائع الفن الاسلامی فی متحف الهمیبتاج بالاتحاد السوفیتی [*Masterpieces of Islamic Art in the Hermitage Museum*]، کویت، دار الآثار الاسلامیه، ۱۹۹۰ م.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۶۳ ش.
- حموئی یزدی، نظام‌الدین اسحاق، نجم‌الدین محمد، سالک‌الدین محمد اول، مالک‌الدین مؤید و سالک‌الدین محمد دوم، المشیخه (کنز‌السالکین)، دستنوشته شماره ۲۱۴۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر محمد معین، تهران، دانشگاه تهران، سازمان لغت نامه، ۱۳۳۸ ش.
- راوندی، ابوالرضا، دیوان شعر، تصحیح سید جلال الدین ارموی (محدث)، تهران، مجلس، ۱۳۳۴ ش.
- رشیدالدین فضل الله، وقفنامه ربیع رشیدی: الوقفیه الرشیدیة بخط الواقف فی بیان شرایط امور الوقف و المصارف، چاپ حروفی از روی نسخه اصل، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۶ ش.
- زینی‌وند، تورج و عیسی نجفی، «بازتاب اندیشه‌های ابوالحسن دیلمی در آثار برخی از بزرگان تصوّف اسلامی (مطالعه مورد پژوهش: عشق الهی)»، مطالعات عرفانی، ش ۱۵، ۱۳۹۱ ش.
- ساروخانی، زهرا، «پیشینه نساجی کاشان»، کاج، ش ۴، ۱۳۹۹ ش.
- شاردن، ژان، سیاحتنامه شاردن، جلد سوم، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۶ ش.
- طاهری، فاطمه سادات و زهرا کوچکی سنجان، «بررسی آداب و رسوم خانقاهی در متون منشور متصوفه تا قرن هفتم هجری»، مطالعات عرفانی، ش ۲۳، ۱۳۹۵ ش.
- علیمحمدی اردکانی، جواد، پژوهشی در زیلوی یزد، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۶ ش.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل، النقص، تصحیح سید جلال الدین حسینی (ارموی)، تهران، مجلس، ۱۳۳۱ ش.
- قمی، حسن بن محمد بن حسن، تاریخ قم (۳۷۸ هجری)، ترجمه حسن بن علی قمی (۸۰۶ قمری)، تصحیح و تحشیه سید جلال الدین تهرانی، تهران، توس، ۱۳۶۱ ش.
- کمندلو، حسین، «نگاهی به طرح سجاده صف در حوزه‌های فرش بافی اسلامی»، گلجام ۲۸، ۱۳۹۴ ش.
- گیرشمن، رومن، سیلک کاشان، ج ۱، ترجمه اصغر کریمی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۹ ش.
- محبی، حمیدرضا و محمدتقی آشوری، «نماد و نشانه در نقش‌پردازی زیلوهای تاریخی طرح محرابی (صف) میبد»، گلجام، ش ۱، ۱۳۸۴ ش.
- مرقی کاشانی، افضل‌الدین، مصنفات فارسی، به تصحیح مجتبی مینوی و یحیی مهدوی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۶ ش.
- مستوفی قزوینی، حمدالله، نزهة القلوب، تصحیح گای لیسترانج، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲ ش.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد، نوش‌آباد در آینه تاریخ، آثار تاریخی و فرهنگ، کاشان، مرسل، ۱۳۷۸ ش.
- همو، نوش‌آباد دیار کهن، کاشان، دعوت، ۱۳۸۶ ش.
- همو، «عبدالسلام کامویی: شیخ المشایخ سهروردیه در عراق عجم، یزد و کرمان»، ادیان و عرفان، دوره

۵۲، ش ۱، ۱۳۹۸ ش.

مشهدی نوش‌آبادی، محمد و محمدرضا غیاثیان، رؤیانگاری بر کاشی زرین‌فام در دو بنای قدمگاهی کاشان از دوران ایلخانی و صفوی، فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۹، ش ۳۷، ۱۴۰۰ ش.

معدنی، فرانیه و امیرحسین چیت‌سازیان، «دانش بومی و فناوری زیلوبافی کاشان»، کاشان شناسی ۲۲، ۱۳۹۸ ش.

ملیحای سمرقندی، محمد بدیع بن محمد شریف، مژگر الاصحاب، تصحیح محمد تقوی. تهران، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰ ش.

ناصر خسرو، سفرنامه ابو معین حمیدالدین ناصر بن خسرو قبادیانی مروزی، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۳۵ ش.

وصاف، محمدرضا بن جعفر، «چراغان: جغرافیای قصبه بیدگل»، فرهنگ ایران زمین ۲۴، ۱۳۵۸ ش.
وولف، هانس ای. صنایع دستی کهن ایران، ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲ ش.

- Ackerman, Phyllis, "Textiles of the Islamic Periods: A. History", In: *A Survey of Persian Art: From Prehistoric Times to the Present*, ed. Arthur Upham Pope, vol. 5, Tehran, Soroush Press, 1977.
- Adamova, Adel' T., *Persia: Thirty Centuries of Art & Culture* [Catalogue for the Exhibition in the Hermitage Amsterdam], Zwolle, Waanders Publishers, 2007.
- Afshar, Iraj, "Zīlū", *Iranian Studies* 25, no. 1/2, The Carpets and Textiles of Iran: New Perspectives in Research, 1992.
- Aslanapa, Oktay, *Turkish Arts: Seljuk and Ottoman Carpets, Tiles and Miniature Paintings*, Istanbul, Doğan Kardeş Yayınlar, 1961.
- Bailey, Julia, "Carpets and Kufesque", In: *Carpets and Textiles in the Iranian World: 1400 – 1700*, ed. Jon Thompson, Oxford, Genova, Ashmolean Museum, 2010.
- Bérinstain, Valérie & Susan Day, *Great Carpets of the World*. London, Thames & Hudson, 1996.
- Blair, Sheila, *The Monumental Inscriptions from Early Islamic Iran and Transoxiana*, Leiden, Brill, 1992.
- Idem, "The Religious Art of the Ilkhanids", In: *The Legacy of Genghis Khan: Courtly Art and Culture in Western Asia, 1256-1353*, eds. Linda Komaroff & Stefano Carboni, New York, The

- Metropolitan Museum of Art, 2002.
- Briggs, Amy, "Timurid Carpets", *Ars Islamica* 7, 1968.
- Ertuğ, Ahmet and Oleg Grabar, *In Pursuit of Excellence: Works of Art from the Museum of Turkish and Islamic Arts*, Istanbul, Ahmet Ertuğ, 1993.
- Ettinghausen, Richard, "Kufesque in Byzantine Greece, the Latin West and the Muslim World", *A Colloquium in Memory of George Carpenter Miles (1904-1975)*, New York, American Numismatic Society, 1976.
- Idem, "Review of K. Erdmann, 'Der orientalische Knüpftteppich, Versuch einer Darstellung seiner Geschichte'", *Oriens* vol. 11, no. 1/2, 1958.
- Gonnella, Julia, Friederike Weis and Christoph Rauch (eds.), *The Diez Albums: Contexts and Contents*, Leiden, Brill, 2016.
- Ittig, Annette, "Notes on a Zilū Fragment Dated 963/1556 in the Islamic Museum, Cairo", *Iranian Studies* 25, no. 1/2, *The Carpets and Textiles of Iran: New Perspectives in Research*, 1992.
- Ivanov, Anatoli, "Fragment of a Carpet", in: *Art of Islam: Earthly Beauty, Heavenly Art*, eds. Mikhail B. Piotrovsky & John Vrieze, Amsterdam, Lund Humphries Publishers, 2000.
- Melikian-Chirvani, Assadullah S., *Islamic Metalwork from the Iranian World: 8th-18th Centuries*, London, Her Majesty's Stationery Office, 1982.
- Miles, George C., "Byzantium and the Arabs: Relations in Crete and the Aegean Area", In: *Dumbarton Oaks Papers* 18, Cambridge, Massachusetts, Harvard University Press, 1964.
- Mustafa, Mohammed, *Turkish Prayer Rugs*, Cairo, The Ministry of Education Press, 1953.
- Rahmani, Ashkan and Majid Reza Moghanipoor, "The Technique of Zilu Weaving in Anatolia, Caucasus and Iran", *Art-Sanat* 11, 2019.
- Sotheby's, *Arts of the Islamic World: Including Fine Carpets and Textiles*, London, 6 April 2011, London, Sotheby's, 2011.
- Tanavoli, Parviz, *Persian Flatweaves: A Survey of Flatwoven Floor Covers and Hangings and Royal Masnads*, Translated by Amin Neshati, Woodbridge, Antique Collectors' Club, 2002.

زیلوی نوش‌آباد: کهن‌ترین فرش شناخته شده از دوران اسلامی ایران / ۱۳۵

URL 1: www.amar.org.ir/سرشماریها/ (accessed: December 2020).

URL 2: www.si.edu/object/folio-shahnama-book-kings-firdawsi-died-1020-recto-bier-iskandar-alexander-great-verso-text:fsg_F1938.3 (accessed: December 2020).